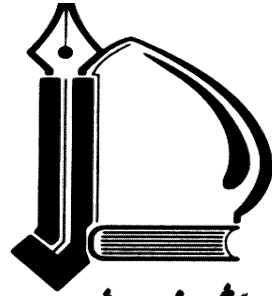


سلام



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

**سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم
با رویکرد نقش‌گرایی هلیدی**

استادان راهنما:

دکتر سید مهدی زرقانی

دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد

استاد مشاور:

دکتر هما زنجانی‌زاده

دانشجو:

فائزه وزیرنژاد

سال تحصیلی

۱۳۸۶-۸۷

پیش کش حضرت دوست

و آنانی که مرا با او آشنا کردند:

عزیز مادرم و مهربان پدرم

و آنی که مرا بر او عاشق کرد:

بزرگوار استادم

سید محمود رضا علوی بجنستانی

تعهد نامه

این جانب فائزه وزیرنژاد دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده‌ی پایان‌نامه‌ی سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد نقش‌گرایی هلیدی تحت راهنمایی دکتر سید مهدی زرقانی و دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد متعهد می‌شوم:

- * تحقیقات در این پایان‌نامه توسط این جانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- * در استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- * مطالب مندرج در پایان‌نامه تا کنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- * کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد» و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- * حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافت‌های آن‌ها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که به حوزه‌ی اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۸

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تمصیلات تکمیلی

فره‌چکیده‌ی پایان‌نامه به زبان فارسی

نام خانوادگی: وزیرنژاد

نام: فائزه

استادان راهنما: دکتر سید مهدی زرقانی / دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد استاد مشاور: دکتر هما زنجانی‌زاده

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: ---

مقطع: کارشناسی ارشد

تعداد صفحات: ۱۷۵

تاریخ دفاع: ۱۳۸۷/۱۱/۸

عنوان پایان‌نامه: سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد نقش‌گرایی هلیدی

کلید واژه‌ها: سبک‌شناسی، نقش‌گرایی، دستور نظام‌مند، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، هلیدی

چکیده:

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از سه نگرش مسلط زبان‌شناسی نظری است که زیرمجموعه‌های مختلفی از جمله دستور نظام‌مند دارد. دستور نقش‌گرایی هلیدی نظام صوری زبان را توأم با نظام معنایی و نقشی در بافت در نظر می‌گیرد بنابراین قابلیت مناسبی برای بررسی‌های ادبی و سبک‌شناختی دارد. هلیدی در نظریه‌ی خود سه سطح برای معنا مطرح می‌کند که عبارتند از: فرانقش تجربی، فرانقش بینافردی و فرانقش متنی. این پایان‌نامه با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، گرایش دستور نظام‌مند هلیدی، به تحلیل و بررسی سبک رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم پرداخته است. پایان‌نامه در سه بخش اصلی تدوین شده که در هر بخش ابتدا نظریه‌ی هلیدی تبیین شده و سپس بر اساس آن رمان مذکور از نظر سبکی تحلیل شده است، در پایان هر بخش نیز داده‌های زبانی به دست آمده از متن رمان در قالب نمودار نشان داده شده است. در انتها بر اساس تحلیل‌ها و نمودارهای ارائه شده به نتایجی از این دست رسیده‌ایم؛ از حیث زبانی، رمان رئالیستی است و در آن زمان گذشته و وجه خبری بیشترین کاربرد را دارند، فرایندهای مادی، ذهنی و بیانی پرکاربردترین فرایندها در رمان هستند، ادات نگرشی کم‌کاربردترین نوع ادات هستند که گویای عدم قدرت راوی در بیان دیدگاه‌ها و اظهار عقایدش می‌باشد و... در بخش سخن پایانی، مجموعه‌ی یافته‌های حاصل از تحلیل نتایج زبانی پایان‌نامه به صورت گزاره‌هایی کوتاه آمده است.

فهرست

پیش‌گفتار ۱

مقدمه ۳

۱. درآمد ۳

۲. ساختار پایان‌نامه ۶

۳. پیشینه‌ی تحقیق ۷

۴. شیوه‌ی تحقیق ۸

۵. زویا پیرزاد / چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم ۱۰

مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی ۱۱

فرانقش‌متنی ۲۲

۱. درآمد ۲۳

۲. ساخت مبتدایی ۲۵

۲- ۱. گروه‌ها یا عبارات مرکب در نقش مبتدا؛ مبتدای تعدیلی ۲۶

۲- ۲. مبتدا و وجه ۲۶

۲- ۳. مبتداهای متنی، بینافردی و موضوعی ۲۹

۲- ۳- ۱. انواع تمهیدات متنی ۳۲

۲- ۴. مبتدای چندگانه ۳۸

۲- ۵. مبتدا در ساخت‌های تأکیدی ۳۹

۳. ساخت اطلاعاتی ۴۱

۳-۱. واحد اطلاعاتی: داده شده + نو ۴۲

۳-۲. داده شده (کهنه) + نو و مبتدا + خبر ۴۵

بررسی رمان براساس فرانش متن ۴۷

۱. نمایش داده‌های تمهیدات پیوندی و انواع مبتدا در نمودارهای فراوانی و درصدی ۴۸

۲. تحلیل و تفسیر تمهیدات پیوندی و انواع ادات ۵۱

۲-۱. تحلیل و تفسیر تمهیدات پیوندی ۵۱

۲-۲. تحلیل و تفسیر مبتداهای موضوعی، بینافردی و متنی در رمان ۵۴

فرانش بینافردی ۵۵

۱. درآمد ۵۶

۲. وجه ۵۹

۲-۱. ساختار وجه ۶۰

۲-۲. انواع وجه ۶۲

۲-۳. زمان ۷۰

۳. باقی عناصر ۸۰

۳-۱. گزاره ساز ۸۱

۳-۲. متمم ۸۱

۳-۳. ادات ۸۲

۳-۳-۱. ادات کیفی ۸۲

- ۳- ۳- ۲. ادات کلامی (نقش‌نماهای کلامی) ۸۴
- ۳- ۳- ۳. ادات موقعیتی ۸۴
۴. قطبیت ۸۵
۵. حالت کیفی ۸۵

۸۷. بررسی رمان براساس فرانش بینافردي

۱. نمایش داده‌های زمان، وجه و ادات در نمودارهای فراوانی و درصدی ۸۸
۲. تحلیل و تفسیر زمان، وجه و ادات ۹۵
- ۱-۲. تحلیل و تفسیر زمان‌های گذشته، حال و آینده ۹۵
- ۲- ۲. تحلیل و تفسیر انواع وجه ۹۸
- ۳-۲. تحلیل و تفسیر میزان ارتباط انواع زمان و وجه ۱۰۰
- ۴- ۲. تحلیل و تفسیر انواع ادات ۱۰۱

۱۰۳. فرانش تجربي

۱. درآمد ۱۰۴
۲. فرایندهای اصلی ۱۰۸
- ۱-۲. فرایند مادی ۱۰۸
- ۲-۲. فرایند ذهنی ۱۱۵
- ۱-۲-۲. معیارهای تمیز فرایند مادی و ذهنی ۱۱۷

۳-۲. فرایند رابطه‌ای ۱۲۰

۳. فرایندهای فرعی ۱۳۱

۳-۱. فرایند رفتاری ۱۳۱

۳-۲. فرایند بیانی ۱۳۷

۴ - ۳. فرایند وجودی ۱۴۰

بررسی رمان بر اساس فرآینش تجربی ۱۴۲

۱. نمایش داده‌های فرایندهای تجربی در نمودارهای فراوانی و درصدی ۱۴۳

۲. تحلیل و تفسیر فرایندهای تجربی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم ۱۵۲

۲- ۱. تحلیل و تفسیر میزان ارتباط انواع فرایندهای تجربی با وجه و زمان ۱۶۱

سخن پایانی ۱۶۳

کتابنامه ۱۶۸

پیش‌گفتار

سخنم را با گفتاری از شهرنوش پارسی‌پور آغاز می‌کنم: «می‌نویسم چون اندیشیدن را آغازیده‌ام. دست خودم نبوده است که چنین شده، ناگهان پوسته‌ی حیوانی «ماده‌گاو» را از دوشم برداشته‌اند. از این رو می‌نویسم. چون گویا دارم انسان می‌شوم. می‌خواهم بدانم کیستم؟ چرا نمی‌توانم عشق را - برحسب قاعده‌ی مرسوم - بر روی فرد مشخصی یا حوزه‌ی مشخصی محدود کنم؟ چرا این عشق می‌رود تا از یک ذره‌ی کوچک چرخنده در کوچک‌ترین اتم شناخته شده الی کلّ مجموعه‌ی هستی را دربرگیرد؟ می‌نویسم چون به دلیل این حال عاشقانه آرام و قرار ندارم و می‌نویسم چون زهدانم را هم هویت با فضای هستی می‌بینم. می‌خواهم بدانم قلبی که در بالای این زهدان قرار گرفته چگونه می‌تپد؟ مغزی که در بالای قلب قرار گرفته، به چه می‌اندیشد؟ آیا چنین حضوری هست؟ یا پندار است؟» (مصاحبه‌ی شهرنوش پارسی‌پور، دنیای سخن، ۱۳۶۹؛ براهنی، ۱۳۷۴: ۱۱۲)

زنان رمان‌نویس در دهه‌های اخیر جایگاه خاصی را در عرصه‌ی آفرینش‌های ادبی به خود اختصاص داده‌اند. آنها سعی می‌کنند از شخصیت‌های گوناگون زنان و تجربیات روزمره‌ی آنان در داستان‌هایشان بهره‌گیرند. در رمان‌های شب‌های تهران، خانه‌ی ادیسی‌ها، طوبی و معنای شب، زنان بدون مردان، عادت می‌کنیم، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و... با نقش‌های متعددی از زنان روبرو می‌شویم، که یا مانند رمان طوبی و معنای شب هر کدام تکمیل‌کننده‌ی بُعدی دیگر از شخصیت تکامل یافته‌ی زن رمان هستند یا مانند چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، هر کدام نشانی از زنان زندگی واقعی دارند.

در این موج تازه‌ی رمان‌نویسی زنان، پژوهش در مورد سبک این آثار و زبان آن‌ها یک ضرورت انکارناپذیر است؛ ضرورتی که من را به انجام این تحقیق دشوار برانگیخت. دشواری کار آن‌جا بود که الگو و نمونه‌ی قبلی در اختیار نداشتم و دیگر این‌که ترجمه‌ی مناسبی از نظریه‌ی هلیدی به زبان فارسی در دسترس نبود. مشکل کار وقتی دو چندان شد که در میانه‌ی کار متوجه شدم هلیدی تحریری تازه از

نظریه‌اش ارائه داده است و من پس از مشورت با اساتید راهنما، خود را ملزم کردم تا اساس کار را تحریر نو نظریه قرار دهم و این مستلزم جستجو در منابع غیر فارسی زبان بود؛ جستجویی که زمان انجام تحقیق را بسیار طولانی و خسته‌کننده کرد.

اکنون خدای را شکر می‌گزارم که پس از یک سال و نیم کار مداوم و تحمل رنج فراوان توانستم پایان‌نامه را به نقطه‌ای که مد نظر بود برسانم. در این مسیر سخت، منت‌دار گرامی استادم جناب آقای دکتر سید مهدی زرقانی هستم که با لطف‌های بی‌کران، مرا بسیار پیش‌تر از تصویب موضوع رساله همراهی کردند و دستم را گرفتند و از پس کوچه‌های پرپیچ و خم این رساله‌ی دشوار، عبورم دادند. نیز قدردان استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد هستم و همراهی‌ها و هم‌دلی‌های ایشان را هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم. هم‌چنین بر خود فرض می‌دانم از مهربان استاد مشاورم سرکار خانم دکتر زنجانی‌زاده تشکر کنم، که حضورشان مباحثات این رساله است و از عنایت ایشان و بذل محبتشان، نهایت سپاس را دارم و بسیار خرسندم از حضور گرم ایشان، که گام‌هایی بلند در راه رشد زنان برداشته‌اند.

در انتها سپاس بی‌کران دارم از دو مهربان دوست داشتنی که اولین اساتید زندگی‌ام بودند؛ مادرم، پدرم، که وجودم را سرشار از عشق وجودشان ساختند و مست بودنشان هستم و پیوسته ماندنشان را از درگاه لایتناهی‌اش خواستارم.

فائزه وزیرنژاد

زمستان ۱۳۸۷

مقدمه

۶. درآمد

در سنت رمان‌نویسی، زنان جایگاه خاص خودشان را دارند؛ سنتی که به حدود ۱۵۰ سال قبل و به جین آوستن برمی‌گردد. زنان، «مادران رمان» نامیده شده‌اند (فیروزه مهاجر و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۰۶). آنان امتیازات خاص بیولوژیکی و تجربه‌های خاص زنانه دارند که شامل هم‌دمی، هم‌فکری، عاطفه، احساس و قدرت مشاهده است؛ تجاربی که معنی و مفهوم تجربه‌ی زنانه را به خواننده نشان می‌دهد. ویرجینیا وولف این ویژگی‌ها را خصیصه‌ی ارزشمند متمایز دید زنانه می‌نامد (Showalter, 1998: 84؛ حسینی، ۱۳۸۴: ۹۴). شووالتر در کتاب *ادبیاتی از آن خودشان A literature of their own* اصطلاح نقد «زن‌محور» یا نقد زنانه را مطرح می‌کند که دامنه‌ی کار آن تاریخ، سبک، درون‌مایه، انواع ادبی و ساختارهای نوشتاری زنان و سیر تحوّل و تکامل آن است (مقدادی، ۱۳۷۸: ۵۵۴).

در نقد زن‌محور با زنان به عنوان نویسنده مواجه هستیم. شووالتر معتقد به وجود سه مرحله در دوران تحوّل ادبیات زنان است: مرحله‌ی اوّل از ۱۸۴۰ تا ۱۸۸۰ تحت عنوان "**Feminine**" در این دوران زنان سعی کردند تا به موقعیت‌های مساوی با مردان دست پیدا کنند. در این دوره لحن، ساختار، و دیگر عناصر ادبی تحت تأثیر روش دوگانه‌ی استاندارد ادبی بودند. مرحله‌ی دوم از ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ بود به نام "**Feminist**" در این دوران زنان وصف هم‌سازی زنانه را رد کردند و از ادبیاتی سود بردند تا مظلومیت زنان را به نمایش بگذارد. برخی متون تخیلی هم در مورد آرمان شهر زنان در این دوره شکل می‌گیرد. دوره‌ی سوم از ۱۹۲۰ به بعد است که دوره‌ی "**Female**" نام گرفته است. نویسندگان این دوره دستاوردهای اشاعه یافته‌ی دو دوره‌ی قبل را رد کردند، زیرا آن دو مرحله هر دو بستگی به جهان مرد

محور و مذکر داشت. ادبیات این دوره به تجربه‌ی زنان به عنوان منبع هنر مستقل زنان می‌نگرد که تحلیل فرهنگی را به سوی تکنیک‌ها و شکل‌های ادبیات زنانه گسترش می‌دهد. زنان و ادبیات معاصر زنان ایران در دهه‌ی اخیر تلاش می‌کند تا به مرحله‌ی "Female literature" ادبیات زنانه دست یابد. ادبیاتی که در آن زنان و روایت از طرف زنان و زنانه تولید می‌شود که منجر به پدید آمدن واژگان تازه با بسامدهای متفاوت، لحن و شیوه‌ی بیان و ساختار تازه در داستان با شخصیت‌پردازی و زاویه دید جدید است (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۶).

زنان نقش‌های متفاوت‌تر و متنوع‌تری نسبت به مردان در جامعه دارند. نقش‌هایی چون خویشاوندی، همسری، خانه‌داری، بچه‌داری، اقتصادی، اجتماعی و فردی. این نقش‌های متفاوت و متنوع به آن‌ها نگاهی متفاوت می‌دهد و آن‌ها را در جامعه چند مسئولیتی می‌کند. همین چند نقشی بودن سبب می‌شود احساسی هم باشند. در نهایت این ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها را برخوردار از نگرشی جزئی و ریز با وصف‌های زیاد کرده است.

به نظر می‌رسد زبان فارسی تا حدود زیادی «جنسیت‌زده» است (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۱۰). جنسیت‌زدگی به معنای تداول واژگانی در این زبان است که بار معنایی جنسی دارند. مثلاً «غفریته»، که به پیرزن می‌گویند اما معادلی که بار معنایی منفی چون آن داشته باشد، برای پیرمرد وضع نشده است. لغت «ترشیده»، که به دختر ازدواج نکرده می‌گویند و بار معنایی منفی آن در واژه‌ی «عذب»، که برای پسر ازدواج نکرده به کار می‌رود، وجود ندارد.

این ویژگی زبان از سطح واژگان در گذشته و به حوزه‌ی ضرب‌المثل‌ها نیز سرایت پیدا کرده است. مثلاً مقایسه کنید ضرب‌المثل «خر خر مرگ مادرزن از چه‌چه بلبل بهتر است» را با این ضرب‌المثل برای پدرزن: «خون نکرده که اسمش پدرزن شده». یا «صفای خانه آب است و جارو، صفای دختر چشم است و ابرو».

ارائه‌ی تعریفی از زن نیک نیز نشان می‌دهد فرهنگ‌زبانی فارسی‌گرایشی شدیداً مردانه دارد. در تعریف زن نیکو می‌خوانیم: «زن، پاک‌رو و پاک‌دامن باید و شوی دوست و شرمناک و پارسا و کوتاه‌زبان و کوتاه‌لسان و کوتاه‌دست و چیز نگاهدارنده تا نیک بود که گفته‌اند زن نیک عافیت زندگانی بود» (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۸۱، ۱۷۲ و ۲۱۷).

به نظر می‌رسد اکثریت زنان جامعه‌ی ما تن به پذیرش این زبان جنسیت‌زده داده‌اند. چنان که در بیان تجربیات روزمره‌ی زندگی غالباً خودسانسوری می‌کنند. مثلاً در زایمان مادری که درد زایمان یا سختی آن لااقل اندکی در فعل «زاییدن» احساس می‌شود، به دلیل حفظ نجابت، از این ساختار نحوی استفاده می‌شود: «بچه متولد شد». از این دست سانسورهای تجربیات زنانه در زبان ما بسیار دیده می‌شود (رک: پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۴۵).

برای پرهیز از هرگونه افراط و تفریط و در پیش گرفتن شیوه‌ی علمی، ما در این تحقیق سعی می‌کنیم بر اساس نظریه‌ی هیلیدی زبان یکی از رمان‌های معاصر را که نویسنده‌ی آن زن است بررسی کنیم. ممکن است نتایج حاصل از این تحقیق به چند گزاره‌ی کوتاه خلاصه شود اما اهمیت آن نه در کمیت نتایج که در کیفیت آن است. کار بر اساس نظریه حتی اگر به انبوهی از نتایج منتهی نشود، ارزش علمی دارد. بدیهی است نتایج حاصل از این پایان‌نامه معطوف به رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم است اما روش کار و نتایج به دست آمده می‌تواند الگوی تحقیقی برای بررسی سایر رمان‌های زنانه باشد. تنها پس از بررسی سبک‌شناسانه‌ی چندین رمان است که ما می‌توانیم به ویژگی‌های «سبکی» رمان زنانه‌گرا در ایران معاصر دست پیدا کنیم.

وقتی ترکیب رمان «زنانه‌گرا» را مطرح می‌کنیم، به سرعت رمان «مردانه‌گرا» نیز به ذهن متبادر می‌شود. قائل شدن به این تقسیم‌بندی از آن روست که تجربیات این دو جنس با یکدیگر متفاوت است. چرا که هر انسانی خارج از زن بودن یا مرد بودن، با توجه به محیط اطراف، موقعیت، خانواده، شرایط رشد، زمان و مکان تولد و تکامل و یادگیری، تجرد یا تأهل، فرزند داشتن یا نداشتن، تجربیات گوناگون زندگی و... نگاه، بیان، زبان، رفتار و اندیشه‌اش متفاوت با کسانی می‌شود که دارای تجربیات و موقعیت‌های متفاوت با

اویند. وجود تجربیات و نقش‌های مختلف برای زن، نگاه او را به شخصیت‌های زن در رمانش، عوض می‌کند. آن‌گاه که مردان در دوره‌ای، چونان هدایت، چوبک، گلشیری، علی محمد افغانی، زن را تنها در دو حالت؛ یا اثری و آسمانی یا لکاته و فاحشه‌ای پست می‌دیدند (رک: براهنی، ۱۳۷۴: ۱۰۶) زنانی چون شهرنوش پارسی‌پور، غزاله علیزاده، منیرو روانی‌پور بودند که شخصیت‌ها و قالب‌های متعددی را برای زنان رمان‌های خود خلق می‌کردند. وجود چنین رمان‌هایی و ورود شخصیت‌های مختلف زن در آثار نویسندگان و خاصه حضور پررنگ و پرشور و تأثیرگذار نویسندگان زن، موجب شکل‌گیری بوطیقای ادبی زنان (همان: ۱۱۱) شده است. ما وقتی از رمان زنانه‌گرا سخن می‌گوییم مرادمان رمان‌هایی است که اولاً نویسنده‌ی آن‌ها زن باشد و ثانیاً شخصیت‌ها، حوادث و اصولاً جهان داستان از دید یک زن طراحی و خلق شوند. طبیعی است در فرهنگ ما، چنین رمان‌هایی وضعیت اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه‌ی مردانه‌ی ما را به چالش می‌کشند.

۷. ساختار پایان‌نامه

پایان‌نامه، پس از مقدمه‌ای کوتاه، در هفت فصل اصلی و بخش کوتاهی تحت عنوان سخن پایانی تنظیم شده است: نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی در یک نگاه، فرانقش متنی، بررسی رمان بر اساس فرانقش متنی، فرانقش بینافردی، بررسی رمان بر اساس فرانقش بینافردی، فرانقش تجربی، بررسی رمان بر اساس فرانقش تجربی فصول هفت‌گانه را تشکیل می‌دهند. چیدمان هر سه فرانقش بر اساس کتاب **Introducing An functional Grammar** اثر هلیدی، صورت گرفته است. در هر یک از سه فصل تبیین نظریه به معرفی کامل نظریه پرداخته‌ایم. ترجمه‌ی کاملی از آخرین تحریر نظریه‌ی هلیدی به زبان فارسی وجود نداشت و ما مجبور بودیم تمام اجزای نظریه را با توضیح نسبتاً کامل بیاوریم. اگر به ترجمه و معرفی قسمت‌هایی که مستقیماً مورد نظر ما بود، بسنده می‌کردیم، تئوری انسجام خود را از دست می‌داد. بدین جهت بود که پس از مشاوره با استادان راهنما، به این نتیجه رسیدیم که تئوری را به صورت منسجم و کامل در پایان‌نامه بیاوریم.

در سه فصل بررسی رمان آن قسمت‌هایی از تئوری را که در تحلیل ادبی به ما کمک می‌کرد انتخاب کردیم و آن را بر روی متن رمان مورد نظر پیاده کردیم. سپس از داده‌های آماری به دست آمده، که واقعیات زبانی متن رمان بودند، به نتایج کلی رسیدیم که در قالب گزاره‌هایی در پایان هر فصل آمده است. برای محسوس و عینی‌تر شدن تحلیل‌ها سعی کردیم، اطلاعات به دست آمده را در قالب نمودارهای آماری نیز ارائه دهیم.

۸. پیشینه‌ی تحقیق

در این رساله ما با دو گروه از تحقیقات سر و کار داشتیم؛ نخست آثاری که ما را در فهم و ترجمه‌ی مناسبی از نظریه کمک می‌کرد و دیگر نوشته‌هایی که ما را با سبک زنانه آشنا می‌کرد. از گروه اول، این آثار را می‌توان نام برد:

(الف) مقاله‌ی «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی»، از فردوس آقاگل-زاده که به سال ۱۳۸۴ در مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد منتشر شده است. این مقاله به بیان و توضیح اصل نظریه نپرداخته و تنها به کاربرد این تئوری بر متون ادبی اشاره دارد.

(ب) به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا، اثر مهران مهاجر و محمد نبوی است که سال ۱۳۷۶ در تهران چاپ شده است.

(ج) پایان‌نامه‌ی مقطع دکتری آقای دکتر پهلوان‌نژاد تحت عنوان «تحلیل نحوی-معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه‌ی دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی»، در سال ۱۳۸۳. در آشنایی من با نظریه-ی نقش‌گرایی هلیدی، این پایان‌نامه بسیار راه‌گشا بود. اثر مذکور ترجمه‌ای نسبتاً جامع از نظریه‌ی هلیدی و سایر زبان‌شناسان نقش‌گرا ارائه داده است.

(د) پایان‌نامه‌ی مقطع دکتری با عنوان «سبک‌شناسی رمان بوف کور با رویکرد نظریه‌ی انتقادی» اثر آقای دکتر غلام محمد فقیری، در سال ۱۳۸۶. این پایان‌نامه از این جهت که پیاده کردن نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی بر رمان است به کار ما شباهت دارد، اما نویسنده از داده‌های نظریه‌ی نقش‌گرایی برای رسیدن به تحلیلی براساس «گفتمان انتقادی» استفاده کرده است.

ه) در مورد سبک زنانه کارهای خوب و چشم‌گیری انجام شده است مانند «روایت زنانه در داستان-نویسی زنانه» نوشته‌ی مریم حسینی، مقاله‌ی «تبلور هویت زن در رمان» اثر خانم فرشته داوران، تصویر زن در ده سال داستان‌نویسی انقلاب اسلامی از خانم زهرا زواریان، «تجلی زیبایی، مظلومیت و رمان فمینیستی در پست مدرنیسم» از رضا براهنی، داستان زنان از تاج لنگرودی و محمد مجدی و ترجمه‌هایی چون زنان و رمان از رزالیند مایلز و زن و ادبیات که مجموعه مقالاتی است از سلسله پژوهش‌های نظری درباره‌ی مسائل زنان. وجه شاخص پایان نامه در این است که اساس کار ما بر نظریه‌ی زبان‌شناسانه‌ی هلیدی است.

۹. شیوه‌ی تحقیق

به تعبیر باربارا جانسون «اگر آدم‌ها از دیدگاه زیست‌شناختی از دو جنس نبودند، شاید به ادبیات نیازی نبود. اگر کار ادبیات بازگو کردن رابطه‌ی جنسی زن و مرد بود نیز بی‌تردید چندان نیازی به آن نداشتیم... نه این که رمان را با زندگی جنسی سروکاری نیست؛ ادبیات درست در دل جایگاهی قرار دارد که جنسیت در آن‌جا نقطه‌ی کور زندگی ما جانوران سخنگو می‌گردد. ادبیات، نه تنها پژوهشگر سرسخت، که کنش‌گر سرکش پهنه‌ی جنسیت است» (مایلز، ۱۳۸۰: ۳۸).

یکی از فرضیه‌ها این است که زنان در رمان‌نویسی دارای ویژگی‌های سبکی خاصی هستند. شرایط روحی و روانی و نقش‌های زنان در جامعه تأثیر زیادی بر سبک نویسندگی آن‌ها دارد. برای اثبات این فرضیه نیازمند نظریه‌ای بودیم که بتواند در بررسی فرمی و محتوایی اثر ما را یاری دهد. این ویژگی در نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی وجود داشت. نظریه‌های ساختگرایی و یا دستور زایشی و زبان‌شناسی صورت‌نگار، بر دیدگاه یگانگی زبان استوارند و در بررسی‌های خود تنها سطح زبان را مد نظر دارند؛ یعنی به چگونگی نحو جملات، طول و لحن بیان جملات، به‌کارگیری واج‌ها اصالت می‌دهند. در این دیدگاه صورت، تعیین‌کننده‌ی معناست و یک صورت زبانی در بافت‌های متفاوت، معنی یکسانی دارد. در مکتب معنی‌شناسی ساخت‌نگرا هم رابطه‌ی صورت و معنا یک به یک است و معنا از قبل قابل پیش‌بینی است.

بخش معنایی زبان زنانه در نظریات فوق مغفول واقع می‌شد. حال آن‌که به نظر ما سبک زنانه‌گرا هم دارای وجه صوری و فرمی بود و هم وجه معنایی. تنها نظریه‌ی زبانی هلیدی بود که دو سطح زبان را در بررسی‌های خود اساس قرار می‌داد. بدین جهت این نظریه را برگزیدیم.

برخی از گرایش‌های نقش‌گرایی به افراط رو آورده و صورت را یا کامل کنار نهادند یا به آن کم-توجه بودند، اما در نقش‌گرایی هلیدی تکیه هم بر صورت و هم بر معنا می‌باشد. دیدگاه چندگانگی هلیدی براساس نقش‌های متفاوت زبان در سه سطح؛ فرانقش اندیشگانی^۱، فرامتنی^۲ و بینافردی^۳ است. از دید او همه‌ی گزینش‌های زبانی معنی‌دار سبک‌شناختی‌اند. کار او نوع پیچیده‌ای از دیدگاه یگانگی است (Leech, 1981: 30). ساختارها و گونه‌های زبانی به نظر هلیدی بازتاب نقش‌های اجتماعی است. نظام دستوری زبان دارای یک درونداد نقشی و یک برونداد ساختی است که نقش‌های اجتماعی را با ساخت-های زبانی مناسب پیوند می‌دهد (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۲).

پس از این‌که نظریه را انتخاب کردیم، در جستجوی رمانی بودیم که به عنوان متن معیار نظریه را بر روی آن پیاده کنیم. پس از مطالعه‌ی رمان‌های مختلف بنا به دلایل زیر رمان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* اثر زویا پیرزاد را برگزیدیم: این رمان در دوره‌ی خود بسیار درخشید و جوایز بهترین رمان سال ۱۳۸۰ از پکا (مهرگان ادب) و بنیاد گلشیری، لوح تقدیر جایزه‌ی ادبی یلدا در همان سال و بهترین رمان سال ۱۳۸۰ جایزه‌ی کتاب سال را دریافت کرد. دیگر این‌که، این رمان از نوع «خودزندگینامه» است (مایلز، ۱۳۸۰: ۷۸) و واگویه‌ای است از زندگی روزمره‌ی شخصیت نقش اول رمان که یک زن است، و بدین ترتیب بهتر می‌توانست روایت زنانه را به تصویر بکشد. سوم این‌که بر روی آن تحقیق زبانی - ادبی خاصی انجام نگرفته بود. دلیل آخر این‌که *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* رمانی رئالیستی است و ما نیز می‌خواستیم رمان به واقعیت‌های روزمره‌ی زنان بپردازد.

¹ Ideational function

² Contextual function

³ Interpersonal function

پس از این‌ها به سراغ روش تحقیق رفتیم. روشی دقیق و علمی که بتواند در انتخاب نمونه از متن به ما کمک کند. ما روش نمونه‌گیری سیستماتیک را انتخاب کردیم و واحد اندازه‌گیری را پاراگراف قرار دادیم و از ۱۵۰۰ پاراگراف رمان، طبق روش نمونه‌گیری خود ۳۰۰ پاراگراف را برگزیدیم و نظریه‌ی تحقیق را بر روی آن‌ها اعمال کردیم.

۱۰. زویا پیرزاد / چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

رمان مورد بررسی در این پایان‌نامه نوشته‌ی زویا پیرزاد داستان‌نویس و مترجم معاصر است. او در سال ۱۳۳۱ در آبادان به دنیا آمد، در همان‌جا به مدرسه رفت، در تهران ازدواج کرد و اکنون در این شهر زندگی می‌کند.

وی در سال ۱۳۷۰، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ سه مجموعه از داستان‌های کوتاه خود را به چاپ رساند، مثل همه‌ی عصرها، طعم گس خرمالو و یک روز مانده به عید پاک، مجموعه داستان‌های کوتاهی بودند که به دلیل نثر متفاوت خود، مورد استقبال مردم قرار گرفتند. طعم گس خرمالو برنده‌ی جایزه‌ی بیست سال ادبیات داستانی ۱۳۷۶ شد.

اولین رمان بلند زویا پیرزاد، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم می‌باشد، که در سال ۱۳۸۰ در قطع وزیری به چاپ رسید. داستان این رمان که با نثر ساده و روانی نوشته شده است، در شهر آبادان دهه‌ی چهل می‌گذرد و شخصیت‌های داستان از خانواده‌های کارمندان و مهندسين شرکت نفت هستند، که در محله‌ی بریم، جدا از بومیان آبادان زندگی می‌کنند. این رمان به سبک خود زندگی‌نامه‌های اروپایی به ویژه رمان دفترچه‌ی ممنوع اثر آلبا دسس په‌دس^۴ (۱۹۱۱) می‌باشد. دفترچه‌ی ممنوع ماجرای خانم خانه‌داری

⁴ Decespedes, Alba

است که دفترچه‌ای برای نوشتن خاطراتش خریده است اما به دلیل فضای خانه‌اش آن را از همسر و فرزندان‌ش پنهان می‌کند و حتی چند بار از سنگینی بار آن بر دوشش می‌خواهد آن را دور بیندازد و در نهایت آن را در آتش سوزانده و صورت مسأله را پاک می‌کند و به زندگی آرامش بازمی‌گردد. او در میان غوغایی که این دفترچه در درونش ایجاد کرده به تعریف حوادث روزانه‌ی زندگی‌اش می‌پردازد. رمان مورد نظر ما نیز واگویه‌ای از زندگی روزمره‌ی یک زن است و از این حیث بسیار به دفترچه‌ی ممنوع شباهت دارد.

چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم در ۲۹۳ صفحه و ۵۰ بند نوشته شده است. منبع ما در این رساله چاپ هجدهم این رمان، در اسفند سال ۱۳۸۳، منتشر شده توسط نشر مرکز، می‌باشد. چاپ اول کتاب نیز در اسفند ۱۳۸۰ بوده است.

رمان دوم پیرزاد به نام عادت می‌کنیم در مرداد ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است. این رمان زندگی آرزو صارمی زن مطلقه و بچه‌داری را به تصویر می‌کشد که دلش می‌خواهد بعضی وقت‌ها خودش را دوست بدارد و کاری که مطابق میل خودش است انجام دهد نه هر کاری که دختر و مادرش می‌خواهند.

زویا پیرزاد کتاب‌هایی نیز ترجمه کرده است. از جمله آلیس در سرزمین عجایب اثر لویس کارول و کتاب آوای جهیدن غوک که مجموعه‌ای است از هایکوه‌های شاعران آسیای شرقی (فرخ‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۸۰).